



توافقی که به سلطه طالبان بر افغانستان انجامید

حملات برق‌آسای گروه اسلام‌گرای طالبان، سقوط پیاپی شهرها و سرانجام اشغال کابل، فاجعه جدیدی است که مردم ستمدیده افغانستان با آن مواجه شده‌اند. همگان در این چند روز صحنه‌های دلخراشی از ترس و اضطراب، سیل فرار و مهاجرت مردمی که با دست‌خالی یا یک چمدان با کودکان کم سن و سال حتی بر روی فرغون در حال فرار به‌سوی مرزهای کشورهای همسایه افغانستان بودند، یا در فرودگاه کابل درحالی‌که خود را به بدنه هواپیما چسبانده بودند و از ارتفاع هزار متری به زمین سقوط کردند، یا زیر چرخ هواپیما له شدند، دیدند. برای اکثریت بزرگ مردم افغانستان که سال‌ها پیش‌ازین، وحشیگری و بربریت قرون‌وسطایی اسلام‌گرایان طالبان را تجربه کرده بودند، حضور دوباره آن‌ها در قدرت اتفاقی هولناک است.

اما چه شد که این مرتجعین قرون‌وسطایی چنین سهل و ساده، بار دیگر بر افغانستان مسلط شدند و در فاصله تنها دو هفته مهم‌ترین شهرها تا کابل را به تصرف درآوردند، دولت مستقر فروپاشید و رئیس‌جمهوری آن به قول خودش فرصت نیافت که حتی کفش‌هایش را عوض کند و سراسیمه به امارات متحده عربی فرار کرد؟

پاسخی که اغلب داده می‌شود، این است که این دولت ساخته‌مورداخته امپریالیسم آمریکا بیش از آن پوشالی و فاسد بود که بتواند در برابر نیروهای طالبان که حتی حاضرند برای پیروزی دست به عملیات انتحاری بزنند، مقاومت کند. در پوشالی و فاسد بودن دولتی که یک قدرت خارجی آن را برپا کرد، تردیدی نیست. اما این استدلال صحیح می‌بود اگر واقعاً در پی تعرض گسترده چند هفته اخیر، جنگی میان ارتش افغانستان و طالبان رخ داده بود. درحالی‌که در روزهای پیش از سقوط کابل، پی‌درپی خبر از حملات طالبان و تصرف شهرهای افغانستان انتشار می‌یافت بدون این‌که جنگ و مقاومتی در کار باشد. درواقع جنگی رخ نداد تا بتوان گفت که مثلاً ارتش ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزارنفره افغانستان با آموزش‌ها و سلاح‌های پیشرفته آمریکایی در برابر نیروی ۵۰ تا ۷۰ هزارنفره طالبان شکست خورد. بدون این‌که جنگی رخ دهد یا مقاومتی صورت گیرد، نیروهای نظامی دولت افغانستان تسلیم طالبان شدند یا از جنگیدن امتناع نمودند و خود را کنار کشیدند. چرا چنین اتفاقی رخ داد؟ پاسخ این است که اصلاً قراری نبود مقاومتی صورت گیرد و جنگی رخ دهد. پیشاپیش توافق شده

درصفحه ۲

شکست واکسیناسیون و فوران خشمی که در راه است

سهل انگاری و بی مسئولیتی مقامات جمهوری اسلامی در مقابله با شیوع ویروس کرونا، عدم قرنطینه مناطق قرمز، دنبال کردن اجرای سیاست جنایتکارانه مصونیت جمعی و در نهایت، اعلام ممنوعیت واردات واکسن های خارجی توسط خامنه‌ای، شرایط بسیار مرگباری را برای توده های مردم ایران رقم زده است. در پی تداوم این بی مسئولیتی و عدم شتاب بخشیدن به واکسیناسیون عمومی، هم اینک تمامی کشور به تسخیر کرونا در آمده است. کابوس مرگ درب هر خانه ای را دق الباب می کند. روزانه صدها نفر جان می بازند و ده ها هزار نفر راهی

درصفحه ۳

کرونا، طبقه کارگر و یک مبارزه تمام‌عیار سیاسی

داس مرگ بی‌رحمانه درو می‌کند. قربانیان کرونا همه‌جا تلنبار شده و قبرهای دهان‌گشوده، روزانه صدها تن را به کام خود می‌کشند. جنایت فجیع طبقه حاکم و مرتجع رأس نظام، سراسر کشور را سیامپوش کرده است. چه بسیار کارگران و زحمتکشانی که تنها تزییق یک واکسن معتبر، ضامن نجات جانشان بود، در سکوت و بی‌خبری، قربانی سیاست‌ها و سود ورزی مرتجعین حاکم شدند. اکثر این قربانیان که شمارشان از ۱۰۰ هزار (آمار رسمی) تجاوز کرده است، کارگران و تهیدستان و زحمتکشانی هستند که واکسینه نشده‌اند و هزینه دارو و درمان

درصفحه ۴

ارمغان جمهوری اسلامی فقر است و بیکاری و مرگ

سال ۱۳۹۰ به ۱۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ رسیده است. برای نمونه این مطالعه نشان می‌دهد در حالی که جمعیت زیر خط فقر مطلق از سال ۹۲ تا ۹۶ به ۱۵ درصد رسیده است، اما از سال ۹۶ تا ۹۸ به ۳۰ درصد افزایش یافته است.

وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز روز شنبه گزارشی با عنوان "پایش فقر" منتشر کرد که براساس آن در سال ۹۸ خط فقر برای خانوار سه نفره ۲ میلیون و ۷۵۸ هزار تومان و چهار نفره ۳ میلیون و ۳۸۵ هزار تومان برآورد شده

درصفحه ۱۰

مرتضی بختیاری رئیس کمیته "امام امام" که در طول حیات جمهوری اسلامی مسئولیت‌های گوناگونی از قائم‌مقامی ابراهیم رئیسی در آستان قدس تا وزارت دادگستری و ریاست سازمان زندان‌ها را برعهده داشته است، روز یکشنبه ۲۴ خرداد در دومین "هم‌اندیشی ملی پیاده‌سازی راهکارهای مقابله با فقر اقتصادی"، گفت: "برآوردها نشان‌دهنده آن است که به طور متوسط در دوره زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۸ حدود ۳۳ درصد از جمعیت زیر خط فقر چند بعدی قرار گرفته‌اند و خط فقر از ۹۵۰ هزار تومان در

گزارشی از اکسیون اعتراض به مناسبت کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ توسط رژیم جمهوری اسلامی در هامبورگ

درصفحه ۷

گزارشی از آکسیون در حمایت از زنان و مردم زحمتکش افغانستان و علیه طالبان و سیاست‌های امپریالیستی در لندن

درصفحه ۷

اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

درصفحه ۶

حاکمیت سیاه طالبان را نباید تحمل کرد

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

توافقی که به سلطه طالبان بر افغانستان انجامید

بود که جنگ به پایان رسیده و طالبان باید قدرت را به دست بگیرد. این را از مدت‌ها پیش، سران دستگاه دولتی افغانستان و نیروهای نظامی و امنیتی آن نیز می‌دانستند.

ماجرا از این قرار بود که پس از شکست طرح توسعه‌طلبانه خاورمیانه بزرگ جمهوری‌خواهان آمریکا به رهبری بوش پسر و افزایش تلفات و هزینه‌های روزافزون مالی در افغانستان، دولت آمریکا به این نتیجه رسید که باید نیروی نظامی‌اش را از افغانستان بیرون بکشد. تبدیل قدرت در این کشور بازم برای آمریکا، همان طالبانی بود که یکبار با حمایت و سازمان‌دهی امپریالیسم آمریکا و دولت‌های ارتجاعی منطقه از نمونه پاکستان، عربستان و امارات متحده عربی به قدرت رسید و بساط امارت اسلامی افغانستان را برپا کرد و سپس با لشکرکشی نظامی آمریکا سرنگون‌شده بود. این تبدیل قدرت البته صرفاً از آن‌رو نبود که قدرت‌های امپریالیست همواره عاشق اسلام‌گرایان خاورمیانه هستند، بلکه بر این ارزیابی سیاسی نیز مبتنی بود که طالبان در میان مردم مناطق عقب مانده پشتون نشین که حدود نیمی از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند، نفوذ و پایگاه دارد و به سادگی هم ممکن نیست از پس شیوه‌های جنگی این گروه برآمد. طالبان کمی پس از سرنگونی با حمایت دولت پاکستان و کمک مالی و تسلیحاتی برخی دولت‌های دیگر، بار دیگر فعالیت نظامی خود را در مناطق پشتون نشین از سر گرفته بود، حتی مناطقی را به تصرف خود درآورد و به جنگ پارتیزانی علیه نیروهای نظامی آمریکا و ارتش تازه ایجاد شده افغانستان روی آورد. چرخش مجدد دولت آمریکا به سوی طالبان از دوران زمامداری اواما آغاز گردید. دولت آمریکا از همان ایام باب مذاکره غیرمستقیم با این گروه را گشود و در ۱۳۹۲ یک دفتر نمایندگی سیاسی برای آن‌ها در قطر ایجاد کرد. به‌رغم کشمکش‌هایی که بین دولت افغانستان و آمریکا بر سر این دفتر رخ داد، آمریکا به سیاست خود برای نزدیکی به طالبان ادامه داد. تحرکات سیاسی طالبان پس از ایجاد این دفتر، افزایش یافت و از جانب برخی دولت‌های دیگر از نظر سیاسی، مالی و تسلیحاتی نیز تقویت شدند. مذاکرات غیررسمی و پشت پرده تا سال ۹۷ ادامه یافت. در مهرماه سال ۹۷ خلیل زاد به‌عنوان نماینده ویژه وزارت خارجه آمریکا در افغانستان، مذاکرات رسمی و علنی به‌اصطلاح صلح با نمایندگان طالبان را آغاز کرد. پس از یازده دور مذاکرات و توافقاتی پشت پرده، سرانجام روز ۱۰ اسفند ۹۸ در اجلاس دوحه با حضور تعدادی از نمایندگان دولت‌ها که خبرگزاری‌ها تعداد آن‌ها را ۳۰ هیئت نمایندگی اعلام نمودند و وزیر خارجه آمریکا و نماینده ویژه آلمان به‌عنوان نماینده اتحادیه اروپا نیز در آن حضور داشتند، توافق‌نامه‌ای میان دولت آمریکا و طالبان به عنوان نماینده "امارت اسلامی افغانستان" به امضاء رسید. گرچه در این توافق‌نامه مکرر تأکید شد که "امارت اسلامی افغانستان توسط ایالات‌متحده به‌عنوان دولت شناخته نمی‌شود"، اما یکطرف این توافق‌نامه تحت عنوان امارت اسلامی افغانستان، حضور و تأیید توافق‌نامه توسط مهترین قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای و نیز مفاد توافق‌نامه روشن می‌ساخت که این قراردادی میان دو دولت

است. این توافق‌نامه دولت آمریکا با طالبان به عنوان نماینده امارت اسلامی افغانستان، درحالی‌که دولت ظاهراً رسمی افغانستان هیچ نقشی در آن نداشت و حتی نمایندگان این دولت دعوت رسمی نداشتند، به‌رغم ظاهرسازی در مورد مذاکرات بین افغانی در آینده، معنای دیگری جز این نداشت که رسماً قدرت به طالبان واگذار شده است. بر طبق این توافق‌نامه قرار شد ۵ هزار زندانی طالبان آزاد شوند.

توافق شد "ایالات‌متحده، متحدان آن و ائتلاف، خروج کلیه نیروهای باقی‌مانده را از افغانستان طی ۹ ماه ونیم باقی‌مانده تکمیل کنند." توافق شد "ایالات‌متحده، متحدان آن و ائتلاف، تمام نیروهای خود را از پایگاه‌های باقی‌مانده خارج خواهند کرد."

توافق شد ایالات‌متحده و متحدانش از تهدید یا استفاده از زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی افغانستان یا مداخله در امور داخلی این کشور خودداری خواهند کرد. تحریم‌ها علیه اعضای طالبان نیز برداشته شد.

امارت اسلامی افغانستان هم پذیرفت به هیچ یک از اعضایش، سایر افراد و گروه‌ها از جمله القاعده اجازه نخواهد داد که از خاک افغانستان برای تهدید امنیت ایالات‌متحده و متحدانش استفاده کنند و با گروه‌ها یا افرادی که امنیت ایالات‌متحده و متحدانش را تهدید می‌کنند، همکاری نخواهد کرد.

امارت اسلامی افغانستان برای کسانی که تهدیدی برای امنیت ایالات‌متحده و متحدانش محسوب شوند، ویزا، پاسپورت، مجوز سفر یا سایر اسناد قانونی را برای ورود آن‌ها به افغانستان فراهم نخواهد کرد.

از همین مفاد توافق‌نامه کاملاً روشن است که درگیری‌ها پایان یافته و تسلیم افغانستان به گروه اسلام‌گرای طالبان قطعیت یافته است.

مقامات و شخصیت‌های رسمی دولت افغانستان نیز هر یک به نحوی این توافق‌نامه تسلیم را تأیید کردند. عبدالله عبدالله، رئیس اجرایی دولت افغانستان از امضای این توافق‌نامه میان آمریکا و طالبان استقبال کرد. ژنرال دوستم با صدور یک اعلامیه از امضای این توافق‌نامه پشتیبانی کرد و آن را آغاز روندی برای پایان یافتن جنگ چهارساله اعلام کرد.

حامد کرزی رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان گفت: موافقت‌نامه آمریکا و طالبان گام بزرگی برای پایان دادن به جنگ و استقرار صلح است.

رئیس شورای عالی صلح نیز آن را گام مهمی در جهت حل بحران جنگ دانست. اشرف غنی هم به دودوزبازی ادامه داد و فقط نق زد.

با این اوصاف روشن است چرا ارتش افغانستان در برابر حملات طالبان مقاومتی نکرد، چرا فرماندهان نظامی که ظاهراً قرار بود بجنگند واحدهای خود را رها کردند و تسلیم طالبان شدند، چرا نیروهای نظامی به‌جای جنگ خود را کنار کشیدند. چون همه می‌دانستند دولت آمریکا بر طبق توافق‌نامه دوحه پذیرفته است که طالبان قدرت را در افغانستان در دست بگیرد. نیروی نظامی دولت افغانستان که به حمایت مالی، تسلیحاتی و نظامی آمریکا متکی بود، از این پس دیگر هیچ دلیل و انگیزه‌ای برای مقاومت و جنگ نداشت. این است دلیل این‌که چرا طالبان به‌سادگی در طول چند روز ناختها تعدادی از مهمترین شهرها بلکه حتی پایتخت را بدون جنگ و

مقاومت تصرف کرد. چون هیچ مانعی در برابرش نبود.

طالبان از همان فردای امضای توافق‌نامه در حالی که خیالش از جانب حملات نظامی آمریکا راحت شده بود و از حمایت بزرگترین قدرت‌های جهانی برخوردار شده بود، یک رشته حملات گسترده را در سراسر افغانستان سازمان داد.

بر طبق گزارش‌های رسمی دولت آمریکا تا سال ۹۷، تنها ۱۴ درصد افغانستان در دست طالبان و ۳۰ درصد عرصه درگیری بود، اما تا اوایل سال ۱۴۰۰، از مجموع شهرستان‌های افغانستان، ۱۲۷ شهرستان در کنترل دولت، ۱۹۳ شهرستان تحت درگیری و ۷۷ شهرستان نیز در کنترل طالبان قرار گرفت. هم زمان با نزدیک شدن موعد خروج کامل نیروهای نظامی آمریکا در سپتامبر، طالبان تعرض نهانی خود را برای تسلط بر سراسر افغانستان سازمان داد و چنان پیشروی برق‌آسانی داشت که حتی آمریکا، اروپا و ناتو هنوز فرصت نکرده بودند آخرین نیروها و وابستگان خود را از افغانستان خارج کنند و به حالت ترس و گریز نیروهای خود را از افغانستان خارج کردند.

اما بعد چه؟ آیا طالبان می‌تواند به‌دردسر همچون گذشته، امارت اسلامی‌اش را در افغانستان برپا کند؟ تردیدی نیست که طالبان برخلاف پاره سرانی دولت‌های حامی این گروه، همان طالبان گذشته است و تمام تلاشش را برای برپائی امارت اسلامی به کار خواهد بست. اما در این فاصله ۲۰ سال، تغییراتی در افغانستان رخ داده که مانع جدی بر سر راه اهداف طالبان است. مردم افغانستان از دوران سلطه گذشته طالبان تجارب بزرگی اندوخته‌اند، سطح آگاهی آن‌ها افزایش یافته و نسل جوانی که در این ۲۰ سال پرورش یافته و سبک زندگی دیگری پیدا کرده و با وسایل ارتباطی جدید با دنیای خارج از افغانستان در ارتباط نزدیکتری قرار گرفته‌است، تسلیم خواست و اهداف این گروه اسلام‌گرای ارتجاعی نخواهند شد. به ویژه زنان برای حفظ دست‌آوردهای خود در مقابل طالبان واکنش نشان می‌دهند، مقاومت می‌کنند و مبارزه خواهند کرد. طالبان این بار نه با این یا آن گروه، بلکه با میلیون‌ها تن از مردم افغانستان طرف هستند که نمی‌خواهند تسلیم زورگویی و افکار قرون‌وسطایی طالبان شوند. علاوه بر این، همان‌گونه که تجربه به‌اصطلاح مذاکرات بین افغانی در این دو سال نشان داده است، طالبان به‌سادگی حاضر به تقسیم قدرت با گروه‌های رقیب نیست. اساساً امارت اسلامی با سهیم کردن گروه‌های ذی‌نفوذ رقیب در قدرت ناسازگار است. ممکن است طالبان برای تحکیم موقعیت داخلی خود و جلب حمایت بین‌المللی مدت کوتاهی هم با برخی از این گروه‌های رقیب مدارا کند، اما چندان دوام نخواهد آورد. این یعنی گروه‌ها و شخصیت‌هایی که در میان مردم یا مناطقی از افغانستان نفوذ دارند، علم شورش را مجدداً بلند خواهند کرد و این احتمال قوی است که افغانستان با دور جدیدی از جنگ‌های داخلی روبه‌رو شود. بنابراین، قدرت‌گیری طالبان در بطن خود حامل بحران‌هایی است که به‌زودی سر باز خواهند کرد.



شکست واکسیناسیون و فوران خمشی که در راه است

بیمارستان می شوند. آمار رسمی کشته شدگان کرونا تا روز شنبه ۳۰ مرداد، از ۱۰۱ هزار نفر هم گذشته است. آمارهای غیر رسمی اما از کشته شدن بیش از ۲۰۰ هزار نفر خبر می دهند. سازمان بهداشت جهانی، تعداد کشته شدگان را بیش از دو برابر آمارهای دولتی (۲/۳) اعلام کرده است. پاره ای از مسئولان وزارت بهداشت، آمار جان باختگان را دو برابر و نیم و سازمان نظام پزشکی کشور، میزان کشته شدگان را بیش از سه برابر آمارهای دولتی اعلام کرده است. رقمی بالاتر از ۲۰۰ هزار نفر که تا همین لحظه از کل کشته شدگان جنگ هشت ساله ایران و عراق پیشی گرفته است.

با احتساب همین مقدار از آمار مرگ و میری که هر روز توسط وزارت بهداشت اعلام می شود، ایران یکسره عزادار و سیه پوش است. طبق آخرین برآورد وزارت بهداشت، ۳۵۹ شهر در وضعیت قرمز، ۵۹ شهر در وضعیت نارنجی، ۳۰ شهر در وضعیت زرد قرار دارند و هیچ نقطه ای نیست که در آن کرونا وجود نداشته باشد. ظرفیت بیمارستان ها در همه شهرها تکمیل و بیماراران در فضای بیرون بیمارستان خوابیده اند. صدای کمبود اکسیژن از هرسو به گوش می رسد. شهرها یک به یک از وضعیت قرمز خارج و به وضعیت سیاه رسیده اند. معاون علوم پزشکی آبدان، در مورد وضعیت این شهر و قسمت های جنوب غربی استان خوزستان اعلام کرده است: "در این موج جدید از مرز بحران صد درصدی عبور کرده و در شرایط جنگی قرار گرفته ایم".

در چنین شرایطی، با افزایش روز افزون سرعت سرایت کرونا، چشم یافته سویه دلنا، روند لاکپشتی واکسیناسیون، تزریق واکسن های تقلبی و بالا رفتن غیر قابل تصور آمار فوت شدگان، عملاً نظام سلامت و بهداشت فرو پاشیده، ظرفیت بیمارستان ها تکمیل و قبرستان ها از ظرفیت خدمات رسانی لازم وا مانده اند. سعید حال، مدیر عامل سازمان بهشت زهرا، تهران اعلام کرده است، در پیک پنجم، ۲۱۶ فوتی کرونا را در روز تجربه کردیم، وضعیتی که "در دوران جنگ ایران و عراق هم شاهد چنین شرایطی" نبودیم. نادر توکلی، معاون درمان ستاد مقابله با کرونا، استان تهران نیز روز شنبه ۳۰ مرداد در یک مصاحبه رادیویی اعلام کرد، "ظرفیت بیمارستان ها پر شده و مجبوریم فقط بیماران بدحال را بستری کنیم". توکلی همچنین در مورد کندی روند واکسیناسیون و تأثیر مخرب این روند لاکپشتی بر افزایش مبتلایان کرونا گفته است: "با بررسی انجام شده روی ۳ هزار بستری بالای ۶۰ سال استان تهران، دریافتیم که بیش از ۹۵ درصد این افراد واکسن نزده بودند". در کنار موارد یاد شده، شاهد انتشار اخبار و اسنادی هستیم که تعدادی زیادی از بیماران جدید مبتلا شده به کرونا، از جمله کسانی هستند که پیش از این، یک دوز و یا هر دو دوز واکسن کرونا را تزریق کرده اند، اما باز هم به کرونا مبتلا شده اند. انتشار اینگونه اخبار و اسناد که حتی در تلویزیون جمهوری اسلامی هم بازتاب یافته است، بیانگر خرید و فروش و تزریق واکسن های قاچاقی و در بهترین حالت، فاصله افتادن غیر معمول میان تزریق دوز اول با مرحله دوم واکسن کرونا بوده است.

حال در چنین شرایطی که مرگ و میر به اندرون هر خانه ای ورود کرده است، مسئولان جمهوری اسلامی بلندتر از هر زمان دیگری بر طبل بی مسئولیتی می کوبند و هیچ کدام حاضر به پذیرش سهم خود در ایجاد وضعیت فاجعه بار موجود نیستند. خامنه ای که در راس متهمین سیاست کشتار عمومی مردم قرار دارد، کسی که کرونا را به هیچ گرفت، کسی که برای رهایی از ابتلا به کرونا مردم را به خواندن دعای سجادیه دعوت کرد، کسی که با فرمان جنایتکارانه خود ورود واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی را به ایران ممنوع اعلام کرد، اکنون با گذشت ۲۰ ماه از پاندمی کرونا، بدون پذیرش کمترین مسئولیتی، ورود واکسن و حل بحران کرونا را مهمترین وظیفه دولت و نظام اعلام کرده است. دستوری که با جملات بعدی او مبنی بر آزاد گذاشتن برگزاری مراسم ماه محرم و اعلام اینکه برگزاری این مراسم برای نظام "برکت" است، عملاً نشان داد که سخنان جدید او مبنی بر اینکه ورود واکسن و حل بحران کرونا مهمترین وظیفه دولت و نظام است، حرف مقفی بیش نبود و او این سخنان را فقط برای خارج کردن خود از سیل خشم جوشان مردمی که این روزها خشم و نفرت خود را به سوی او نشانه رفته اند، بیان کرده است.

خامنه ای در شرایطی از اهمیت کرونا و واکسیناسیون سخن گفته است، که اغلب کشورهای جهان با رعایت پروتکل های بهداشتی، فاصله گذاری، قرنطینه کردن شهرها و نیز با اقدام سریع و به موقع واکسیناسیون عمومی، اپیدمی کرونا را مهار و زندگی عادی را به شهروندان خود باز گردانده اند. در ایران اما، توده های مردم با مرگبارترین دوران کرونا مواجه اند و هیچ چشم اندازی هم برای خروج از این وضعیت هولناک متصور نیست. در این شرایط دردناک که مردم ایران با مرگ بیش از هزار نفر در روز مواجه اند، در وضعیتی که نظام سلامت فرو پاشیده، در شرایطی که یک بحران مدیریتی تمام عیار کل نظام را فرا گرفته است و در وضعیتی که هنوز کمترین شتابی در واکسیناسیون عمومی و رایگان دیده نمی شود، هرکدام از متولیان امر، دیگری را مسئول فاجعه موجود و شکست واکسیناسیون در ایران اعلام می کنند. خامنه ای که در راس این جنایت و کشتار قرار دارد، به کلی خود را از گردونه مسئولیت خارج کرده و حاضر به قبول کمترین مسئولیتی در ایجاد شرایط مرگبار کرونایی نیست. سازمان هلال احمر، وزارت بهداشت را مسئول عدم صدور مجوز واردات واکسن معرفی می کند. وزارت بهداشت، وزارت خارجه و دستگاه دیپلماسی کشور را مقصر می داند و دولت به اصطلاح تدبیر و امید روحانی نیز که طی ۲۰ ماه، بجز وعده های توخالی، بجز بی مسئولیتی و لیخند تمسخر، هیچ اقدام موثری برای جلوگیری از اپیدمی کرونا و تهیه واکسن انجام نداد، در وقاحتی کم نظیر تا آخرین روزهای بودن در مقام ریاست جمهوری، خود را پرچمدار مقابله با کرونا در جهان معرفی کرد.

در نزاع کتونی درونی نظام، بر سر اینکه "کی بود کی بود من نبودم"، برای همه آنانی که روند پیشروی کرونا و تصور آگاهانه جمهوری اسلامی

در تأمین واکسن کرونا را دنبال کرده اند، به خوبی روشن است که نه فقط خامنه ای، بلکه کل هیئت حاکمه ایران، از دولت و دستگاه قضایی و مجلس ارتجاع اسلامی گرفته تا وزارت بهداشت و سپاه پاسداران و ستاد اجرایی فرمان امام و ملیجکی به نام سعید نمکی، جملگی در مجموعه ای به نام هیئت حاکمه ایران در ایجاد این وضعیت مرگبار مسئول هستند.

ویدئوهای منتشره از بیماران مستاصل، خانواده های سرگردان در بیرون بیمارستان ها، پرستارانی که خسته و فرسوده شده اند، پزشکی که اعتراض شان بلند شده است، جنازه هایی که در بیرون بیمارستان ها در کنار هم ردیف شده اند، گورستان هایی که دیگر جایی برای پذیرش مردگان ندارند، زنانی که در کنار مردگان خود ضجه می زنند، مردانی که جنایت جمهوری اسلامی را فریاد می کنند، هنرمندانی که انگشت اتهام به سوی خامنه ای گرفته اند، نویسندگانی که خشم خود را در جوهر قلم ریخته اند و وکلایی که این روزها به اتهام نوشتن کیفرخواست علیه جنایت خامنه ای مبنی بر ممنوعیت ورود واکسن فایزر و مادورنا بازداشت شده اند، جملگی گوشه هایی از فوران خشم جوشان جامعه است. خمشی که این روزها در اوج کشتار موج پنجم کرونا و شکست عینی پروژه واکسیناسیون رایگان و عمومی از هر سو شخص خامنه ای را نشان گرفته اند.

به راستی مسبب این همه کشتار و جنایت کیست؟ چه کسی باید پاسخگوی آنچه در این بیست ماه گذشته بر سر مردم ایران آوار شده است، باشد؟ برای مرگ و میری که مثل اختاپوس بر جان مردم چنگ انداخته و برای بیش از ۲۰۰ هزار نفری که در مدت شیوع ویروس کرونا جان باخته اند، بقیه چه کسی را باید گرفت؟ برای چه کسی کیفرخواست باید نوشت؟ چه کسی باید مورد مواخذه و محاکمه قرار گیرد؟ آیا در وقوع چنین فاجعه مرگباری فقط خامنه ای مقصر است و تنها باید علیه او کیفرخواست صادر کرد؟ یا کل نظام مسئول ایجاد وضعیت موجود است؟ اگر چه خامنه ای در راس هرم قدرت در ایجاد این وضعیت دردناک، نقش کلیدی داشته و دارد، اما بدون همکاری و بدون همنالی دولت، وزارت بهداشت، مجلس، دستگاه قضایی و دیگر نهادهای حکومتی او هرگز قادر به پیشبرد اهداف جنایتکارانه خود نبود.

هم اینک بزرگترین مشکل مهار کرونا، عدم واکسیناسیون سریع و عمومی مردم در ایران است. بر اساس داده های سازمان بهداشت جهانی، جمهوری اسلامی یکی از پایین ترین آمارهای واکسیناسیون کرونا را در جهان به خود اختصاص داده است. تاکنون ۱۳ درصد از جمعیت ۸۴ میلیونی کشور به دریافت دوز اول و ۵ درصد نیز به واکسیناسیون هر دو دوز دست یافته اند. دلیل این کم کاری و عدم پیشرفت هم برای همگان روشن است. اولین و مهمترین دلیل، ممنوعیت ورود واکسن های فایزر، مادورنا، استرازنکا از آمریکا و انگلیس بود، که این ممنوعیت به فرمان مستقیم خامنه ای صورت گرفت. پس از آن، اصرار و تصمیم نظام در تولید واکسن های داخلی، آنهم بدون هیچگونه پیش زمینه های علمی لازم و کافی بود، که اوضاع را به اینجا کشانده است. تأکید مجموعه نظام به تولید واکسن داخلی و سپردن انجام آن به هلدینگ "برکت" که زیر مجموعه ای از سوپر بنیادهای مالی غیر

کرونا، طبقه کارگر و یک مبارزه تمام‌عیار سیاسی



جلوی این کشتار را باید گرفت
واکسیناسیون رایگان و همگانی حق مسلم
ماست و باید فوراً اجرا شود

شورای سازماندهی اعتراضات
کارگران پیمانی نفت

مرگ در محیط‌های جمعی کارگری بسیار بسیار جدی است.

در برابر این بی‌اعتنایی و ندانم کاری و در برابر این جنایت آشکار باید ایستاد. پرچم یک مبارزه جدی علیه این سیاست، با خواست واکسیناسیون فوری تمام کارگران و آحاد جامعه را باید برافراشت و جلو فجایع بزرگتر از فجایع بزرگی را که تا همین امروز شاهد آن بوده‌ایم باید گرفت. با اعتصاب متحد و یکپارچه کارگران پروژه‌های ۲۲ شرکت نفت و گاز و پتروشیمی در عسلویه و خواست واکسیناسیون فوری و رایگان که ۲۶ مرداد آغاز شد و روز بعد نیز ادامه یافت، این پرچم عملاً به اهتزاز درآمده است. به دنبال این اعتصاب بود که مدیریت شرکت‌های فوق سراسیمه با کارگران اعتصابی وارد مذاکره شدند و از پی آن، واکسیناسیون کارگران از همان روز ۲۷ مرداد نخست در ۱۰ شرکت آغاز شد و در ادامه، سرمایه‌داران متعهد شدند کارگران اعتصابی سایر شرکت‌ها را نیز واکسینه کنند. تنها پس‌از این اعتصاب یکپارچه بود که سرمایه‌داران و دارو دسته‌های حکومتی از ترس گسترش اعتصاب، اعلام کردند کارگران هرچه سریع‌تر باید واکسینه شوند و مصطفی سالاری مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی در نامه‌ای به جان بابایی معاون درمان وزارت بهداشت، آمادگی این سازمان برای پرداخت ۱۰۰ درصد هزینه درمانی مورد تعهد برای بیماران کرونایی را اعلام کرد. وادار ساختن سرمایه‌داران و دولت آن‌ها به واکسینه کردن کارگران، یک پیروزی و بدون شک گام بسیار مهمی در پروسه مبارزات روبه رشد طبقه کارگر است که به نام کارگران پروژه‌های نفت و گاز و پتروشیمی ثبت خواهد شد. شورای سازمان‌دهی اعتراضات کارگران پیمانی

در صفحه ۵

روزانه هزاران کارگر و اعضای خانواده آن‌ها در سرتاسر کشور به کرونا مبتلا می‌شوند و یا جان خویش را از دست می‌دهند که خبر آن در هیچ جا منتشر نمی‌شود. فقط ارقام فزاینده هرچند دست‌کاری شده بی‌جان است که عمق و گستره جنایت رژیم و تعرض به جان انسان را نشان می‌دهد. در هفت‌تپه بسیاری از کارگران در معرض بیماری کرونا قرار دارند. ابراهیم عباسی منجری نماینده کارگران و همسرش به کرونا مبتلا شده‌اند. شمار زیادی از کارگران پروژه‌های و خانواده آن‌ها نیز به کرونا مبتلا شده‌اند. خطر مرگ فقط به هفت‌تپه و کارگران پروژه‌های و این کارخانه و آن مؤسسه محدود نمی‌شود. بیماری کرونا و خطر مرگ، همه کارگران و زحمت کشان را تهدید می‌کند و می‌توان گفت که ماجرا از مرحله تهدید فراتر رفته است. درحالی‌که چرخش داس مرگ حتی یک‌لحظه از حرکت باز نمی‌ایستد، درحالی‌که مرگ پشت در خانه ده‌ها میلیون کارگر و اعضای خانواده آن‌ها به کمین نشسته است اما هیچ مقام و نهاد دولتی در فکر کارگران و نجات جان آن‌ها نیست.

این بی‌اعتنایی در شرایطی است که دولت و تمام سرمایه‌داران و کارفرمایان تحت حمایت آن، به‌خوبی می‌دانند که خطر مرگ از بیماری کرونا در محیط‌های جمعی کارگری یک خطر جدی است. به‌رغم اینکه کارگران در کارخانه‌ها، معادن، محیط‌های در بسته و مؤسسات تولیدی و خدماتی و اماکنی که مجبور به کار جمعی در کنار هم هستند به‌نحوی‌که گاه حتی امکان رعایت فاصله وجود ندارد اما کارفرمایان و سرمایه‌داران و دولت حامی آن‌ها نهنه‌ها از واکسیناسیون کارگران در برابر بیماری کرونا بلکه حتی از تأمین لوازم و امکانات بهداشتی ضروری برای پیشگیری از کرونا یا دست‌کم کاهش میزان آلودگی نیز خودداری نموده‌اند. سرمایه‌داران کمترین اعتنا و علاقه‌ای به سلامتی و جان کارگران ندارند. تنها موضوع مورد علاقه آن‌ها و همه غارتگران و فاسدان و دزدان دیگری که کرونا را وسیله کسب درآمد خویش ساخته‌اند، سود و سود و باز هم سود و افزایش سود است. این بی‌اعتنایی و بی‌مبالاتی در شرایطی است که دولت و همه‌ی سرمایه‌داران و کارفرمایان تحت حمایت آن، به‌خوبی می‌دانند که خطر

را نمی‌توانند تأمین کنند. تیرهای زهرآگین و بی‌شماری که ارتجاع حاکم به همه سو پرتاب نموده، سهل‌تر از هر جا بر پیکر همین کارگران و زحمت‌کشان می‌نشیند. بر تن پرستاران، بر تن زحمت‌کشان، بر تن تهیدستان، بر تن کارگران و بر تن همه‌ی آن دیگران. بر تن هزارانی که تنها نام تنی چند از ایشان گاه به رسانه‌ها پا باز می‌کنند.

کم‌تر از یک هفته بعد از مرگ شفیق چنایی کارگر مبارز هفت‌تپه در ۱۹ مرداد که درخواست وی برای دریافت حقوق معوقه با مساعده با مخالفت امور مالی شرکت روبرو شد و چند روز بعد این کارگر مبارز به خاطر فقر و نداری و ناتوانی تأمین هزینه درمان و دارو از بیماری کرونا جان باخت، محمد آنرخش کارگر شاغل در روابط عمومی ستاد شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران، در ۲۳ مرداد ۱۴۰۰ بر اثر بیماری کرونا فوت کرد. چهار روز بعد (۲۷ مرداد) یکی از کارگران با سابقه شرکت توزیع برق سیستان و بلوچستان بنام حبیب‌الله محتاج



اعتصاب کارگران ۲۲ شرکت در عسلویه با خواست واکسیناسیون فوری و رایگان

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

زهی، در شهر جالق شهرستان سراوان پس از چند روز تحمل درد و رنج ناشی از بیماری کرونا، جان خود را از دست داد. همکاران حبیب‌الله که در یکی از شرکت‌های پیمانکاری مشغول به کار بود می‌گویند: علی‌رغم اینکه کارگران توزیع برق با رسانه‌ای کردن خطر ناشی از کمبود امکانات و ابتلا به بیماری کرونا را در شرکت‌های پیمانی زیرمجموعه شرکت توزیع برق تذکر داده‌اند اما کسی به این هشدارها توجهی نکرده است (ایلنا ۲۷ مرداد ۱۴۰۰). پیش از آن نیز محسن کاظمی شیخ شبانی از فعالان کارگری ذوب‌آهن اصفهان بر اثر بیماری کرونا در ۲۷ خرداد و در سن ۴۴ سالگی درگذشت.

**رژیم جمهوری اسلامی را باید با یک اعتصاب عمومی
سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت**

کرونا، طبقه کارگر و یک مبارزه تمام‌عیار سیاسی

نفت، یک هفته قبل از آن در بیانیه مورخ ۲۱ مرداد خود، بر خواست واکسیناسیون فوری کارگران تأکید کرده بود که پس از آن، اعتراضات کارگری در چندین شرکت با خواست واکسیناسیون فوری نیز همراه شد. پس از اعتصاب کارگران عسلویه با خواست اخص واکسیناسیون فوری، طبق آخرین خبرهای انتشار یافته واکسیناسیون کارگران در تعدادی از شرکت‌ها از جمله؛ یو تولیتی، مپکو، پتروشیمی هنگام، پیمان رو دک، پتروکیان و برخی دیگر آغاز شده است. واکسیناسیون رایگان در مقابل ویروس کرونا، خواست فوری کارگران هفت‌تپه، کارگران پیمانی و پروژه‌های عسلویه، هفشجان و سایر مناطق، کارگران قراردادی و رسمی نفت و گاز و پتروشیمی، کارگران معادن، کارگران دیگر مؤسسات صنعتی و خدماتی و خواست کلیه کارگران ایران است. تمام کارگران ایران با استفاده از واکسن‌های معتبر جهانی، بدون فوت وقت باید واکسینه شوند. تمام پروتکل‌های سازمان بهداشت جهانی باید به‌طور کامل در کلیه مراکز کارگری و در تمام سطوح جامعه اجرا شود. به خانواده هر کارگری که در اثر بیماری کرونا جان خود را از دست می‌دهد، بایستی غرامت و خسارت پرداخت شود و خانواده کارگر بایستی از تأمین مالی و اجتماعی کامل برخوردار شود.

خواست واکسیناسیون فوری، خواست همه کارگران است. طرح خواست واکسیناسیون فوری و همگانی از طرف کارگران و فعالان و تشکل‌های کارگری البته موضوع جدیدی نیست. کما اینکه سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه و ۱۳ تشکل دیگر از جمله گروه‌های مختلف و متشکل معلمان، زنان و بان‌نشینان نزدیک به ۴ ماه قبل، در بیانیه مورخ ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰ به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، بر واکسیناسیون فوری، رایگان و عمومی تأکید نمودند. در این بیانیه چنین آمده بود:

"فقدان سیاست‌های کارآمد بهداشتی و عدم اعمال قرنطینه‌های لازم، همراه با تأمین هزینه‌های زندگی مردم، از سوی دولت، بحران معیشتی فردستان را دامن زده است. با وجود آنکه کارگران و زحمت‌کشان به‌درستی خواست اجرای واکسیناسیون فوری، رایگان و عمومی را فریاد می‌زنند و بر آن اصرار می‌ورزند، فراستان و قدرت‌مداران در تأمین واکسن کوتاهی آگاهانه و عمدانه‌ای دارند و می‌کوشند با بحران‌آفرینی‌ها، منافع گروه‌های خاصی از بدنه حاکمیت را تأمین کنند. اصرار

برساخت واکسن داخلی و واگذاری تأمین واکسن به بخش خصوصی در این راستاست"

بالین‌همه انکار نمی‌توان کرد که فرق است میان طرح یک خواست در بیانیه با دست زدن به اعتصاب و مبارزه عملی برای تحقق آن! اگر طبقه حاکم و رژیم سیاسی آن در برابر خواست واکسیناسیون فوری که یک خواست همگانی است تاکنون مقاومت کرده و هر زمان که این خواست در بیانیه‌ها و یا توسط غیر کارگران عنوان شده، بی‌تفاوت از کنار آن گذشته است، در برابر اعتراض و اعتصاب و مبارزه عملی کارگران با همین خواست اما نمی‌تواند تاب آورد و باید به آن تن دهد. طبقه حاکم از این وحشت دارد که طبقه کارگر پرچمدار مبارزه سیاسی عمومی و در مقام رهبر تمام جامعه ظاهر شود. خواست واکسیناسیون فوری و رایگان همگانی مانند بسیاری از خواست‌های دیگر از قبیل آزادی‌های سیاسی، تأمین آب و برق و اینترنت و دارو و درمان و امثال آن، خواست‌های همگانی هستند. نان و کار و آزادی خواست همگانی است. اداره شورایی جامعه یا به تعبیر درست‌تر حکومت شورایی خواست همگانی است. خواست‌های طبقه کارگر، علی‌رغم تمام فشارهای اقتصادی و معیشتی، به مسئله دست‌مزد و ساعات کار و سایر خواست‌های صرفاً صنفی محدود و در چهارچوب محیط کار خلاصه نمی‌شود. پوسته صنفی‌گرایی صرف، گرچه هیچ زمانی بدون شکاف نبوده، امروز اما شکافی بزرگ برداشته است. خواست‌ها و مبارزات اقتصادی، بیش از گذشته با خواست‌ها و مبارزات سیاسی درهم‌آمیخته است. خواست‌های سیاسی از نقش و جایگاه بسیار مهمی در اعتراضات و اعتصابات کارگری برخوردار شده‌اند. قطار مبارزات کارگری روی این ریل قرار گرفته است. به‌رغم عصبانیت و مخالفت اکونومیست‌ها و دشمنان و دوست نمایان طبقه کارگر یا کنار گودنشینان تماشاچی که فعالیت و مبارزه و خواست‌های سیاسی را خاص غیر کارگران

و روشنفکران می‌دانند و مدام به کارگران نصیحت می‌کنند - البته در کمال بیهودگی - که پایشان را از گلیم صنفی‌گرایی فراتر نگذارند، اما چنین نصایح و ترفندهایی نمی‌تواند پروسه مداخله آشکار طبقه کارگر در مسائل سیاسی و عمومی جامعه را متوقف سازد و ترمز قطاری را بکشد که لکوموتیو رانش طبقه کارگراست. طبقه کارگر قامت راست می‌کند و موانع را یکی پس از دیگری از سر راه خویش برمی‌دارد. کارگران ایران در جریان اعتصابات و مبارزات گسترش یافته جاری آن‌هم در دوره انقلابی پرتلاطمی که هر اعتراض کوچک و بزرگی می‌تواند به یک تکان بزرگ اجتماعی منجر شود، بدیهی است که بر کم و کیف اعتصابات سیاسی بیفزایند و نه فقط شعارها و خواست‌های کاملاً سیاسی مطرح کنند بلکه حق‌دارند به عرصه مسائل سیاسی در مقیاس کل جامعه نیز قدم گذارند و بالاتر از آن علیه تمام نظم ارتجاعی حاکم به پا خیزند و یورش انقلابی علیه آن را سازمان دهند.

بگذار طبقه حاکم و تمام مخالفان و دشمنان ریزودرشت طبقه کارگر هرچه می‌خواهند بگویند، بگذار آن‌ها شب و روز در وحشت از به پا خاستن یکپارچه طبقه کارگر علیه تمام نظم موجود و در مقام رهبر سیاسی جامعه بر خود بلرزند، مبارزات سیاسی طبقه کارگر اما راه خود را از میان تمام موانع باز می‌کند تا جایی که حضور قاطع طبقه کارگر در صحنه سیاسی را کسی نتواند انکار کند. برای رهایی از نکبت و از شر تمام مصائب موجود، راه دیگری وجود ندارد جز آنکه جامعه تحت رهبری طبقه کارگر درآید و خود را از فلاکت نجات دهد. طبقه کارگر برای به دست گرفتن همین رهبری است که تمرینات خود را آغاز کرده است. اعتصاب دوروزه کارگران پروژه‌های ۲۲ شرکت نفت و گاز و پتروشیمی در عسلویه با خواست واکسیناسیون فوری، آغاز مهمی بر همین تمرینات است. گسترش اعتصابات از این جنس و نمونه، اعتصابات بزرگ سیاسی را بشارت می‌دهد و مسیر پر سنگلاخ و پرپیچ‌وخم ورود طبقه کارگر به یک مبارزه تمام‌عیار سیاسی را هموار می‌کند.





اعلامیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست حاکمیت سیاه طالبان را نباید تحمل کرد

بار دیگر افغانستان به جریان تروریستی طالبان واگذار شد. در این شکی نیست که آمریکا و ناتو، و حمایت مستقیم دولت پاکستان و جمهوری اسلامی و بند و بست روسیه و چین و بخشی از هیئت حاکمه فاسد اسلامی افغانستان، به توافقی بسیار کثیف و ضدانسانی در مورد انتقال قدرت به طالبان و تحمیل دوباره یکی از سیاهترین جریانات اسلامی به مردم ستمدیده افغانستان، رسیده اند. علاوه بر این عوامل درون- ساختاری نظیر سطح توسعه و رشد اقتصادی- سیاسی و فرهنگی جامعه افغانستان هم در روی کار آمدن طالبان دخیل بوده اند و نمی توان چشم بر آنها فرو بست.

در طی چند روز گذشته تلویزیون و رسانه های بین المللی تصاویر هزاران انسانی را که دچار وحشت شده و در حال فرارند، رصد نمودند، و در یک چرخش مزورانه به بلندگوی سران طالبان که گویا پیام "پایان جنگ و آوردن امنیت" را به مردم وعده می دهند، تبدیل شده اند و می خواهند از این جانوران از گور برخاسته دمکرات بسازند.

فرار اشرف غنی رئیس جمهور و تسلیم سران قوم و عشیره و ارتش پوشالی به طالبان، دست به دست شدن قدرت به امارت اسلامی را تکمیل کرد. اکنون بازگشت طالبان با حمله به سطح معیشت مردم و تمام مظاهر زندگی که شکل امروزی دارد همراه شده و می خواهند جامعه را سالها به عقب ببرند. حقیقت تلخی که از همان لحظات اول با پوشاندن تصاویر زنان در معابر عمومی اولین قدمهای خود را برای حمله به دستاوردهای تاکتونی زنان نشان می دهد. تکیه زدن طالبان به صندلی قدرت بدون شک در وهله ی اول با هدف پایان قدمهایی است که مردم ستمدیده و به ویژه زنان در افغانستان برای تامین حقوق مسلم خود برداشته اند. کودکان و زنان قربانیان بی دفاع این جانپان خواهند بود و از هم اکنون برای نابودی تمام مظاهر ترقیخواهانه و مدرن و امروزی در افغانستان نقشه دارند. تاریخ وجود چنین جریاناتی نشان داده است که از هیچ خشونت و جنایتی برای اجرای اهداف خود فروگذار نیستند.

ما قویا بر این اعتقاد هستیم که مردم زحمتکش و ستمدیده ی افغانستان و به ویژه زنان و نسل جوان زیر بار سلطه ی این جنایتکاران نخواهند رفت. شروع اعتراضات در جلال آباد و کابل و صداهای اعتراضی که روزانه شنیده و دیده می شود، از مخالفت و مقاومتی صحبت می کند که در میان مردم با سرکار آمدن این باندهای تبهکار در آینده گسترش می یابد. مردم افغانستان قطعاً در مقابل این دسیسه ها و حاکمیت تروریستی طالبان به مقاومت خواهند پرداخت و تنها راه به عقب راندن ارتجاع اسلامی شکل دادن به مقاومت و مبارزه توده ای مسلحانه در مقابل تروریستهای طالبانی تا دندان مسلح است. این بار نسل جوان و به ویژه زنان جسور افغانستان پرچمدار مقاومت و مبارزه ای خواهند بود، نه تنها علیه جریان تروریستی طالبان، بلکه دست همه دار و دسته های ارتجاعی اسلامی و جنگ سالار، دست همه قدرتهای بزرگ و دولتهای مرتجع منطقه را از سر زندگی مردم افغانستان کوتاه کند.

زنان و مردان و نسل جوان آزادیخواه افغانستان!

با ایستادگی و مبارزه نباید اجازه داد جانوران طالبان حاکمیت خود را بر شما تحمیل کنند. به قتل عام مردم بپردازند و پرده ی سیاهی بر روی جامعه ی افغانستان بکشند. تنها یک مقاومت همه جانبه می تواند آنها را به عقب نشینی وادار کند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست در ایران، ضمن احساس همدردی عمیق و اعلام همبستگی با مردم افغانستان، انزجار خود را از توطئه ی کثیفی که بر علیه مردم زحمتکش افغانستان سازمان داده شده است، اعلام می کند. ما همراه میلیونها زن و کارگر و انسان آزادیخواه در ایران خود را در کنار شما می دانیم. این توطئه کثیف بر علیه شما در شرایطی در افغانستان شکل می گیرد که مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی یکی از کانونهای اصلی ارتجاع و سلطه تبهکاران اسلامی گام برداشته اند. طبقه کارگر و نیروهای چپ و کمونیست در ایران از هم اکنون در تلاشند، با سرنگونی جمهوری اسلامی آلترناتیو کارگری و حاکمیت شورایی برآمده از اراده کارگران و مردم آزادیخواه سرنوشت جامعه ایران را به دست بگیرد. چنین تحولی بیشترین حمایت و همکاری با کارگران و مردم و زنان آزادیخواه افغانستان را در مقابل کل ارتجاع و جریان سیاه طالبان در دستور کار خود می گذارد.

همینجا از مردم آزادیخواه در ایران می خواهیم، مثل گذشته از هیچ کمکی به آوارگان افغانستان که اینروزها راهی ایران شده اند، کوتاهی نکنند. تفرقه افکنی و افغان ستیزی جمهوری اسلامی و عواملش را افشاء کنند.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

پنجشنبه ۳۰ مرداد - ۲۱ اوت ۲۰۲۱

امضاها : اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت)، هسته اقلیت

گزارشی از اکسیون اعتراض به مناسبت کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ توسط رژیم جمهوری اسلامی در هامبورگ

جمعه ۲۰ ماه اوت ۲۰۲۱ در محکوم کردن کشتار زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ توسط رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به



فراخوان حزب کمونیست ایران-حوزه هامبورگ، فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) هامبورگ و شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه هامبورگ اکسیون اعتراضی جلو کنسولگری جمهوری اسلامی برگزار شد. اکسیون با خواندن قطعنامه و پخش سرود های انقلابی بین‌المللی شروع شد. در این میتنگ رفقایی از حزب مارکسیست لنینیست آلمان، فعالین نشریه ماهانه زندانیان سیاسی، رفقای مائونیست آلمانی و رفقای کمونیست ترکیه شرکت داشتند و ضمن ابراز همدردی و همبستگی بین‌المللی خود

با مردم ایران جنایات جمهوری اسلامی را محکوم کردند. مراسم بعد از دو ساعت زیر باران شدید به پایان رسید.

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم
گزارش از فعالین سازمان فدائیان (اقلیت)

گزارشی از اکسیون در حمایت از زنان و مردم زحمتکش افغانستان و علیه طالبان و سیاست‌های امپریالیستی در لندن



در روز شنبه ۲۱ اگوست در میدان ترافالگار در شهر لندن اکسیونی از ساعت ۱ تا ۳ بعدازظهر به همراه دیگر نیروهای چپ برگزار شد. این اکسیون علیه طالبان و سیاست‌های امپریالیستی و در حمایت از زنان و مردم زحمتکش افغانستان بود. در طول اکسیون که دهها نفر در آن شرکت داشتند شعارهایی به زبان انگلیسی "علیه امپریالیسم آمریکا" و "مرگ بر طالبان - چه در کابل چه تهران" داده شد. چند نفر از سازمان‌های سیاسی ایرانی و انگلیسی سخنرانی داشتند. در کنار اکسیون امروز نیروهای چپ، نیروهای ملی و مذهبی افغان نیز اکسیونی جداگانه را برگزار نمودند.

هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - لندن

شکست واکسیناسیون و فوران خشمی که در راه است

پاسخگوی متعلق به خامنه ای است، ادامه دنباله دار همان جنایت کرونایی رژیم بود که اینبار به منظور کسب درآمد سرشار از رانت خواری دلار ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی بانک مرکزی عملی شد. پوشیده نیست، انجام چنین عملی بدون تایید وزارت بهداشت، ستاد اجرایی مقابله با کرونا، رضایت حسن روحانی، مجلس، قوه قضاییه و دیگر نهادهای حکومتی هرگز شدنی نبود. روشن است بروز فاجعه شکست واکسیناسیون کرونا در ایران و مرگ و میری که هم اینک در درون هر خانه ای جا خوش کرده است، با تصمیم کل مجموعه هیئت حاکمه ایران صورت گرفته و همگان در ایجاد آن دخیل بوده اند.

اکنون دیگر برای همگان روشن است که در پشت فرمان خامنه ای مبنی بر ممنوعیت ورود واکسن های مورد تایید سازمان بهداشت جهانی به ایران، فقط وسوسه سودبری و رانت خواری یک میلیارد دلاری هلدینگ "برکت" و شرکا از جیب مردم ایران بود، که آنان را به تولید واکسن داخلی ترغیب کرد. خامنه ای، وزیر بهداشت، دولت، مجلس، قوه قضاییه و اعضای موثر ستاد ملی مبارزه با کرونا، هرکدام به فراخور وزنی که در نظام دارند، سهمی از این خوان یغما برده اند. در این میان اما آنچه نصیب مردم ایران شد، عدم برخورداری از واکسن های خارجی، در هوا ماندن تولید واکسن داخلی و کشتار بی پایان بیش از هزار نفر در روز است. کشتاری که در پی شکست واکسیناسیون هیچ چشم اندازی برای عبور از این بحران نفس گیر کرونا متصور نیست و این کشتار همچنان ادامه خواهد داشت.

تنها چشم انداز روشن، همین غلیان خشم متراکم توده های مردم ایران است که این روزها شاهد هرچه بیشتر شعله ور شدن آن در درون جامعه هستیم. خشمی سرکش که اگرچه فعلا نوک پیکان آن به سمت خامنه ای نشانه رفته است، اما دیر نیست که این آتشفشان خشم مردم بر سر کل نظام آوار شود. روشن است راه برون رفت از بحران کرونا، راه نجات مردم از کشتار و مرگ و میری که ایران را فرا گرفته است، همانا هدایت این خشم توفنده به سمت کل هیئت حاکمه ایران برای برچیدن بساط تنگین جمهوری اسلامی است. تنها راه نجات و برون رفت از وضعیت مرگبار موجود و پایان دادن به بیش از ۴۲ سال حاکمیت سرکوبگرانه جمهوری اسلامی، هدایت این خشم سرکش به سمت گسترش اعتراضات خیابانی و بسط اعتصابات کارگری است. اعتراضات و اعتصابات که در نهایت بر بستر شکل گیری یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه توده ای، جمهوری اسلامی و کل نظم استثمارگرانه موجود را جاروب کرده و با استقرار حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان، نظم نوینی بر پایه آزادی و برابری و برخورداری یکسان عموم توده های مردم ایران از کلیه مواهب مادی و معنوی جامعه رقم خواهد خورد.

ارمغان جمهوری اسلامی فقر است و بیکاری و مرگ

حداقلی زندگی فقط در چهار ماه ابتدای سال، ۵۰٪ / ۰۲ درصد رشد داشته است. رشد بیش از ۵۰ درصدی سبب معیشت، یعنی هزینه‌های زندگی کارگران در چهار ماهه‌ی ابتدای سال جاری، بیش از ۵۰ درصد افزایش داشته است." به گزارش خبرگزاری ایلنا، "در این محاسبات، هزینه‌های واقعی مسکن، حمل و نقل، درمان و آموزش، در نظر گرفته نشده است، اگر این هزینه‌ها نیز افزوده شود میزان افزایش هزینه‌های زندگی به مرز ۱۰۰ درصد یا بیش‌تر هم فراتر می‌رود." به اعتراف فرامرز توفیقی تنها سبب خوراکی‌های یک خانوار ۳/۳ نفره ۳ میلیون و ۳۳۷ هزار تومان است و این در حالی‌ست که فرامرز توفیقی و امثال وی در شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۰ را که همچنین مبنایی برای تعیین مستمری کارگران بازنشسته می‌باشد، ۲ میلیون و ۶۵۵ هزار تومان تعیین کرده بودند!!!

بیش از این برخی از مقامات دولتی و با سابق دولتی اعتراف کرده بودند که ۸۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر قرار دارند. ابراهیم رزاقی یکی از "اقتصاددانان"ی که از ابتدا تا امروز زیر علم جمهوری اسلامی سینه می‌زند، شهریور سال گذشته گفته بود: "در حال حاضر ۳۰ میلیون بیکار وجود دارد و ۶۰ میلیون نفر زیر خط فقر قرار دارند".

واقعیت این است که وضعیت اقتصادی کشور کاملاً از هم پاشیده و بحران اقتصادی رکود - تورمی افسار گسسته است. نتیجه‌ی طبیعی این شرایط نیز در وضعیت معیشتی کارگران و زحمتکشان به‌خوبی هویدا است. آن‌هایی که نتایج وخامت‌بار بحران اقتصادی بر سرشان آوار شده و تمامی بار این بحران بر دوش آن‌ها قرار گرفته است. اگرچه در نقطه مقابل آن‌ها، بخش بسیار کوچکی هستند که در تمام این سال‌ها تنها بر ثروتشان افزوده شده، ثروتی که سرچشمه‌ی انباشت آن، استثمار کارگران و غارت و چپاول اموال ملی با تکیه بر رانت و قدرت دولتی بوده است.

وضعیت معیشتی توده‌های کار و زحمت آن‌چنان وخیم است که با گران شدن نان در

ماه‌های گذشته، کاهش قدرت خرید به نان نیز رسید و به گزارش روزنامه همشهری تقاضا برای نان ۳۰ درصد کاهش یافته است. در این گزارش، به نقل از یک بازنشسته آمده است: "برای خانواده ۵ نفری ما با سه فرزند جوان، خرید روزانه ۳ تا ۴ نان، هزینه ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومانی در ماه به ما تحمیل می‌کند".

قاسم‌علی حسنی دبیر اتحادیه "بنکداران مواد غذایی" چهارشنبه ۲۷ مرداد به خبرگزاری "ایسنا" گفت: "تقاضا برای خرید مواد غذایی ۳۰ تا ۳۵ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش یافته است". وی گفت: "برنج ایرانی از ابتدای سال حدود ۳۸ درصد افزایش قیمت داشته است. یعنی برنجی که در فروردین ماه کیلویی ۳۱ هزار تومان بود در حال حاضر به کیلویی ۴۳ هزار تومان رسیده است... روغن نیز در خردادماه ۳۵ درصد گرانتر شد. شکر نیز از ابتدای سال افزایش قیمت ۹۰ درصدی را تجربه کرده است و برای مصرف کننده از ۸۷۰۰ تومان به ۱۵ هزار تومان رسیده است، اگر چه در بازار همین نرخ‌های مصوب هم رعایت نمی‌شود. حبوبات نیز از ابتدای سال به دلیل خشکسالی و کاهش تولید ۱۰ تا ۳۰ درصد افزایش قیمت داشته است".

براساس گزارش رسانه‌های حکومتی، قیمت عمده فروشی هر کیلو لوبیا چیتی ۴۲ هزار تومان، لوبیا قرمز ۳۲ هزار تومان و لپه به ۳۷ هزار تومان رسیده است. قیمت رب گوجه‌فرنگی ۸۰۰ گرمی نیز از ۱۸ هزار تومان به ۲۵ هزار تومان رسیده است. به گزارش "همشهری آنلاین" و به نقل از مسئولان اتحادیه‌های صنفی گوشت قرمز و لبنیات سرانه مصرف گوشت قرمز از ۵۷ کیلوگرم در سال ۸۴ به ۲۴ کیلوگرم و سرانه لبنیات از ۱۲۰ کیلوگرم در سال ۸۹ به ۶۰ کیلوگرم در تابستان سال ۱۴۰۰ رسیده است. البته افشین دادرس مدیر عامل اتحادیه دام سبک، اردیبهشت سال‌جاری میزان سرانه مصرف گوشت قرمز را تنها شش کیلوگرم اعلام کرد. میزان مصرف ماهی نیز در طی ۱۰ سال اخیر به نصف کاهش یافته است. به‌گفته‌ی بیک‌زاده مدیرکل دفتر امور بازرگانی وزارت صمت،

مصرف برنج در طی یکسال اخیر بین ۱۵ تا ۲۰ درصد کاهش یافته است. در سال‌های اخیر همچنین شاهد کاهش شدید مصرف میوه و سبزیجات هستیم و به همین دلیل ده‌ها میلیون نفر در ایران از عوارض ناشی از کاهش مصرف میوه و سبزیجات رنج می‌برند. به‌گفته‌ی اکبر یآوری عضو هیات مدیره اتحادیه میوه و تره‌بار استان تهران با افزایش ۲۰ درصدی قیمت میوه نسبت به ماه گذشته، خرید میوه مجدداً کاهش یافته است (چهارشنبه ۱۳ مرداد).

در روزهای گذشته قیمت شیر پاکتی از ۵۴۰۰ تومان به ۸۰۰۰ تومان افزایش یافت. براساس گزارش "مرکز آمار و اطلاعات راهبردی وزارت کار" متوسط قیمت حدود ۷۱ درصد از اقلام خوراکی از جمله برنج ایرانی و خارجی، مرغ، شیر، پنیر، تخم‌مرغ، کره پاستوریزه، روغن مایع، موز، سیب، پرتقال، لوبیا چیتی، عدس، قند، شکر و چای خارجی فراتر از حد بحرانی قیمت‌ها قرار دارند و افزایش دوباره قیمت این کالاها در ماه‌های آینده دور از انتظار نیست. براساس این گزارش قیمت کره پاستوریزه در تیرماه سال‌جاری نسبت به سال گذشته ۱۲۰ درصد، قیمت موز ۹۴ درصد و روغن مایع ۹۲ درصد افزایش داشته‌اند.

قیمت مرغ در مرغ‌فروشی‌ها به کیلویی ۴۵ هزار تومان رسیده و با این وجود در برخی از شهرهای جنوب کشور مرغ پیدا نمی‌شود و برای نمونه در قشم به هر نفر با کارت ملی یک مرغ داده می‌شود. این در حالی‌ست که براساس پیش‌بینی‌های فعالان این بازار، در نیمه دوم سال قیمت مرغ بار دیگر افزایش خواهد یافت. به اعتراف روزنامه همشهری "با گذشت ۴ دهه از تداوم تورم دورقمی در اقتصاد ایران، هر روز سرعت رشد تورم بیشتر می‌شود. هم‌اکنون در بیش از ۱۳۰ کشور دنیا، تورم به کمتر از ۵ درصد رسیده است. در ایران اما با وجود شعارهای رنگارنگ، هیچ دولتی نتوانسته تورم را تک‌رقمی کند" (چهارشنبه ۱۳ مرداد).

به‌نوشته‌ی این روزنامه "نزدیک به چند ماه است که بسیاری از اقتصاددانان نسبت به وقوع یک تورم غیرقابل کنترل در اقتصاد ایران هشدار می‌دهند و بر این باورند که با توجه به متغیرهای اقتصاد کلان از جمله رشد نقدینگی، افزایش کسری بودجه و کاهش



ارمغان جمهوری اسلامی فقر است و بیکاری و مرگ

تولید ملی، وقوع یک تورم غیرقابل کنترل بهزودی در اقتصاد ایران بسیار محتمل است."

البته افزایش قیمت تنها به مواد خوراکی محدود نمی‌شود. خیرگزاری ایسنا در گزارشی رشد واقعی اجاره بها را حداقل دو برابر ارقام منتشره از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار اعلام کرد و نوشت: "در تهرانپارس شرقی واقع در منطقه ۴ تهران که از تقاضای بالایی برای خرید و اجاره برخوردار است نرخ رهن کامل واحدهای ۵۰ تا ۷۰ متر، بسته به سن بنا و امکانات بین ۲۰۰ تا ۳۵۰ میلیون تومان تعیین می‌شود. این در حالی است که سال گذشته با ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون تومان به راحتی می‌شد در تهرانپارس آپارتمان رهن کرد."

یکی دیگر از هزینه‌هایی که بویژه در یک سال و نیم اخیر کارگران و زحمتکشان را با مشکلات عدیده‌ی مالی روبرو ساخته، هزینه‌های درمانی است. در حالی که در قریب به اتفاق کشورهای دنیا، به منظور مقابله با کرونا، درمان کرونا رایگان یا تقریباً رایگان است، اما در ایران کرونا عاملی برای پُر کردن جیب گروهی اندک شده است. هزینه‌های سرسام‌آور بیمارستان‌ها، داروهایی که گاه تا ۱۰۰ برابر قیمت واقعی به فروش می‌روند، وضعیت هولناکی را برای کارگران و زحمتکشان بوجود آورده است.

اکثریت بزرگ جامعه در صورت درگیر شدن با ویروس کرونا یا ناتوان از پرداخت هزینه‌های درمان هستند و سعی می‌کنند تا حد امکان به بیمارستان مراجعه نکنند، یا برای تامین هزینه‌های آن مجبور به فروش دارایی‌های اندک خود حتی گوشی تلفن هستند. براساس آمارهای سایت دیوار آگهی‌های فروش وسایل خانه از جمله مبلمان یا فرش در سال ۹۹ رشد چشمگیری داشته و با ۳۰ میلیون آگهی (۲۳ درصد کل آگهی‌ها در سایت دیوار) بالاترین میزان آگهی را به خود اختصاص داده و نشان‌دهنده‌ی آن است که مردم برای تامین برخی از هزینه‌ها ناچار به فروش وسایل منزل خود شده‌اند.

البته معضل هزینه‌های درمانی همیشه بوده است و جمهوری اسلامی مانند دیگر عرصه‌ها، درمان و بهداشت و آموزش و پرورش را به عرصه‌ی جولان سرمایه تبدیل کرده است. برای نمونه هزینه‌های دندانپزشکی به قدری بالاست که مردم قادر به مراجعه به دندانپزشک نیستند و به گفته‌ی رئیس دانشگاه علوم پزشکی "بهشتی" بیش از ۵۵ درصد افرای بالای ۶۵ سال در ایران

بی‌دندان هستند و به طور متوسط هر ایرانی شش دندان پوسیده در دهان دارد!!

بختیاری رئیس "کمیته امداد" در حالی به خط فقر ۱۰ میلیون تومانی اعتراف می‌کند که مستمری بگیران "کمیته امداد" که ۵ میلیون نفر و یا به عبارتی دیگر ۲ میلیون خانوار را شامل می‌شود، باید با مستمری ناچیز این کمیته که حداکثر ۱۰ درصد خط فقر اعلام شده از سوی وی است، زندگی کنند. به‌گفته‌ی وی مستمری خانواده‌های تحت پوشش این کمیته تازه با افزایش ۶۷ درصدی در سال ۱۴۰۰ برای خانواده یک نفره به ۳۵۰ هزار تومان، دو نفره به ۵۰۰ هزار تومان، سه نفره به ۷۰۰ هزار تومان، چهار نفره ۹۰۰ هزار تومان و ۵ نفر به بالا به یک میلیون و ۱۰۰ هزار تومان رسیده است!!

وضعیت معیشتی کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر زحمتکشان جامعه نیز کاملاً مشخص است. خط فقر به‌طور واقعی امروز از ۱۵ میلیون تومان نیز فراتر رفته است و تنها عده‌ی ناچیزی که بخشی از آن‌ها از مدیران دولتی (و یا شرکت‌ها) هستند حقوقی بالاتر از آن دریافت می‌کنند. به عبارت دیگر یک اکثریت بسیار بزرگ جامعه داریم که مدام بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شود و این کسانی هستند که یا هم اکنون در زیر خط فقر هستند و یا در حال رانده شدن به زیر خط فقر و در برابر یک گروه بسیار کوچک که در رفاه هستند و مدام بر ثروتشان افزوده می‌شود که مدیران و مقامات دولتی در تمامی دستگاه‌ها از جمله فرماندهان نظامی در میان این‌ها هستند، و همه چیز حاکی از آن است که تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سریر قدرت است این

روند ادامه خواهد داشت.

اما جمهوری اسلامی نه برنامه‌ای برای حل معضل معیشتی و نابرابری موجود در جامعه دارد و نه اساساً چنین رسالت و توانی. سخنان ابراهیم رئیسی در روز شنبه در مجلس اسلامی و در جریان به‌اصطلاح دفاع از وزرای معرفی شده به مجلس در رابطه با چگونگی مقابله با بحران اقتصادی رکود - تورمی و بهبود معیشت توده‌ها، حل معضل بیکاری و غیره، نه فقط مضحک که بیان روشن ناتوانی و بی‌برنامگی جمهوری اسلامی است و این‌که جمهوری اسلامی (همان‌گونه که مردم در اعتراضات‌شان شعار می‌دهند) ننگی‌ست که باید به زباله‌دان تاریخ سپرده شود.

وی در مجلس اسلامی گفت: "امروز با مشکلاتی از جمله تورم بالای ۴۴ درصد اعلامی مرکز آمار، یا بیش از ۵۵ درصدی بانک مرکزی، افت شدید ارزش پول ملی، کسری قابل توجه بودجه، کاهش قدرت خرید مردم و خانوارها، سختی معیشت مردم، رشد بالای نقدینگی و حجم بالای بدهی دولت مواجه هستیم... حل مشکلات اولاً نیاز به برنامه دارد و ثانیاً نیازمند نیروی کارآمدی است که در جای جای کشور بتواند تحول آفرین باشد و شرط سوم پیگیری و نظارت علی‌الدوام برای اجرای برنامه‌ها و تحقق تحول در کشور است. اگر این سه شرط باشد حتماً بر این مشکلات فائق خواهیم آمد" و این یعنی هیچ، و نه فقط هیچ که ادامه فضاحت‌بارتر وضعیت گذشته در دوره فردی که با کلید آمده بود اما کلیدش فقط برای پُر کردن جیب سرمایه‌داران و مقامات دزد و فاسد جمهوری اسلامی بود.



ارمغان جمهوری اسلامی فقر است و بیکاری و مرگ

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

https://t.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 934 August 2021

تنها سهم کارگران و زحمتکشان بود که به شدت کاهش یافت.

پیش از آن‌ها، فرامرز توفیقی رئیس "کمیته دستمزد کانون عالی شوراهای اسلامی کار" روز سه شنبه ۱۲ مرداد به خبرگزاری "ایلنا" گفته بود: "نرخ سبد حداقلی معیشت ۱۰ میلیون و ۳۴۳ هزار تومان است اما دستمزد بیش از ۶۰ درصد کارگران شاغل و بازنشسته حدود ۴ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان است". وی همچنین گفت: "هزینه‌های

در صفحه ۸

است. اما با این وجود براساس محاسبات این وزارتخانه ۳۲ درصد جمعیت کشور و به عبارتی دیگر ۲۶ میلیون و پانصد هزار نفر زیر خط فقر قرار دارند، یعنی درآمدشان حتا از این مقدار ناچیز نیز کمتر است. همچنین براساس این گزارش درآمد سرانه در سال ۹۸ نسبت به سال ۹۰ حدود ۳۴ درصد کاهش داشته است. کاهشی که البته نه گریبان ثروتمندان که گریبان کارگران و زحمتکشان را گرفته است. چرا که در این مدت بر ثروت ثروتمندان شدیداً افزوده گردید و این



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم‌دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی "کومله تی وی / شورا تی وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۲۱۸۷

<https://fadaian-aghaliyat.org>، <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora، تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی